

## مقدمه

جمال قدم و اسم اعظم جلّ جلاله در آیات مبارکه و الواح مقدّسه سعادت معنویّه افراد عباد را بدو اصل مهمّ عرفان یزدان و عمل باو امر و احکام نازل از سماء مشیّت حضرت منّان مستند فرموده‌اند. فاقد این دو اصل از حیات جاودانی بی‌نصیب و محروم است و عارف بی‌عمل مانند عامل بی‌عرفان در درگاه عظمت غیر مقبول. بیانات الهیّه در باره این مطلب که اهمّ مطالب محسوب بقدری است که احصای آن از عهده بیرون و این خود برهانی متین بر اهمیّت و عظمت این موضوع است و در این‌مقام بذکر قسمتی و نگارش شمه‌ای از بیانات مبارکه می‌پردازد:

از جمله در کتاب مستطاب اقدس<sup>1</sup> نازل قوله تعالی:

"انّ اوّل ما كتب الله على العباد عرفان مشرق و حیه و مطلع امره الّذی كان مقام نفسه في عالم الأمر و الخلق من فاز به قد فاز بكلّ الخیر و الّذی منع انّه من اهل الضلال و لو یأتی بكلّ الأعمال (بند ۱) اذا فزتم بهذا المقام الاسنی و الأفق الأعلى ینبغی لكلّ نفس ان یتبع ما امر به من لدی المقصود لأتّهما معاً لا یقبل احدهما دون الآخر هذا ما حکم به مطلع الألهام." (بند ۱)

## و در لوح فریدون میفرمایند قوله تعالی:

"بنام گوینده توانا ای فریدون الحمد لله از فضل ابی به بحر ایمان فائز شدی و بافق اعلی توجّه نمودی و لکن محک الهی لم یزل و لا یزال ما بین عباد بوده و خواهد بود و همچنین میزان الهی در کلّ حین مشهود است باید در کلّ احيان بحقّ جلّ و عزّ پناه برد و توفیق خواست تا مؤیدّ شود باستقامت بر آنچه ادراک نموده و عمل بآنچه در کتاب الهی نازل شده اگر نفسی در جمیع عمر بعبادت مشغول شود و از صفاتی که سبب ارتفاع امر الله است محروم ماند آن عبادت حاصل ندارد و ثمری نخواهد بخشید"

## و در لوح دیگر که ابتدای آن بجمله "ایمهاجر الی الله" شروع میشود میفرمایند قوله تعالی:

"بسا نفوس که خود را بحقّ نسبت میدهند و لکن از حقّ بسی غافلند چه که نسبت بقول

<sup>1</sup> کتاب مستطاب اقدس که شامل اوامر و احکام الهیّه است در عکا از قلم مبارک نازل گردیده و چون ذکر ذلّت و خسران ناپلئون سوم پادشاه فرانسه در ضمن بند ۸۶ مذکور شده و اینمطلب در جنگ بین فرانسه و آلمان در سال ۱۸۷۰ میلادی مطابق پنجم جمادی الثانی سنه ۱۲۸۷ بوقوع پیوست. نزول کتاب اقدس باید در اواخر سال ۱۲۸۷ یا اوائل سال ۱۲۸۸ باشد و محلّ نزول کتاب اقدس در بیت عبود بوده است (مجلد پنجم عالم بهائی)

تمام نشود و صادق نیاید البتّه هر دعویرا برهان باید و هر ادعّا را حجّتی شاید. پس کسانیکه خود را بحقّ منسوب میدانند البتّه باید آثار تقدیس از فعلشان ظاهر شود و نضره نعیم از وجهشان مشاهده گردد"

### و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"انّ الذین نکثوا<sup>2</sup> عهد الله فی اوامره و نکصوا<sup>3</sup> علی اعقابهم أولئک من اهل الضلال لدى الغنی المتعال (بند ۲) یا ملاً الأرض اعلموا انّ اوامری سرج<sup>4</sup> عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی کذلک نزل الأمر من سماء مشیّة ربکم مالک الأدیان. (بند ۳) لو يجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیّة الرحمن لینفق ما عنده و لو یکون خزائن الأرض کلها لیثبت امرا من اوامره المشرقة من افق العنایة و الألطاف. (بند ۳)

### و در لوح دیگر که به بیان مبارک "جمع را بحکمت امر نمودیم" شروع شده میفرمایند قوله تعالی:

"بعد از عرفان مشرق وحی دو امر لازم یکی استقامت و دیگری اتباع اوامر الله که در کتاب نازل شده طوبی للفاضلین."

### و در لوح تجلیات نازل قوله تعالی:

"تجلیّ اول .... ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل بآنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته"

<sup>2</sup> نکث: عهد شکنی

<sup>3</sup> نکص: مراجعت برگشتن بحال اول

<sup>4</sup> سرج: جمع سراج بمعنی چراغها مرحوم ابوالفضائل گلپایگانی در رساله اسکندرته باخلاق او بتفصیل اشاره نموده مراجعه شود و در این اوراق از تفصیل حالش صرف نظر شد.

### و در لوح مانکی<sup>5</sup> نازل قوله تعالی:

"ایمردمان گفتار را کردار باید چه که گواه راستی گفتار کردار است و آن بی این تشنگانرا سیراب ننماید و کورانرا درهای بینائی نگشاید"

### و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد تکلم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطباً لبریتی ان اعملوا حدودی حباً لجمالی طوبی لحبیب وجد عرف المحبوب من هذه الكلمة التي فاحت منها نفحات الفضل علی شأن لا توصف بالاذکار (بند ۴)" "لعمری من شرب رحیق الانصاف من ایادی الالطاف انه يطوف حول اوامری المشرقة من افق الابداع." (بند ۴)

### و نیز میفرمایند قوله تعالی:

"بگو ای برادران باعمال خود را بیارائید نه باقوال" (کلمات مکنونه)<sup>6</sup>

---

<sup>5</sup> مانکی سرپرست زردشتیان ایران بود که از هندوستان در زمان ناصرالدین شاه قاجار وارد ایران شد و در بین راه در بغداد بحضور مبارک جمال قدم جلّ جلاله فائز گشت و در آغاز لوحش باین مطلب اشاره شده قوله تعالی: "سپاس دارای جهانرا که دیدار را در خاک تازی روزی فرمود. دیدیم و گفتیم و شنیدیم" (بقیه در ذیل صفحه بعد)

<sup>6</sup> کلمات مکنونه بتصریح مرکز میثاق جلّ ثنانه در سنه ۱۲۷۴ هجری در بغداد از قلم جمال قدم جلّ جلاله نازل شده و گراور خطّ مبارک مرکز میثاق جلّ ثنانه که تصریح در اینمقام است در ورق اول کلمات مکنونه که در مصر بطبع رسیده موجود است.

**و در لوح رؤس میفرمایند قوله تعالی:**

"رأس الايمان هو التقلل في القول و التكثر في العمل فمن كان اقواله ازيد من اعماله فاعلموا انّ عدمه خير من وجوده و فناءه احسن من بقاءه."

**حضرت عبدالهء جلّ ثنائه در لوحی میفرمایند قوله العزيز:**

"اساس دين الله اكتساب كمالات است و استفاضه از فيوضات مقصد از ايمان و ايقان تزئين حقايق انساني بفيض كمالات ربّاني است اگر اين حصول نيابد حقيقت حرمان<sup>7</sup> است و عذاب نيران. پس بهائيان بايد نظر باین امر دقيق نمايند كه مانند ساير اديان بعريده و هاي و هوی و لفظ بيمعنی كفايت ننمايند بلكه بجمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربّانی قیام كنند و ثابت نمايند كه بهائی حقیقی هستند نه لفظ بيمعنی و بهائی این است كه شب و روز بكوشد تا در مراتب وجود ترقی و صعود نماید و نهایت آرزوی هر يك این باشد كه نوعی روش و حرکت نماید كه جمیع بشر از آن مستفیض و متور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حقّ باشد و روش و سلوكش سبب ترقیات نامتناهيه گردد بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسان گردد و چون باین مواهب موفّق شود ميتوان گفت كه بهائی است و الا در این دور مبارك كه فخر قرون و اعصار است ايمان عبارت از اقرار بوحدانيت الهیه نه بلكه قیام بجمیع شئون و كمالات ايمان است"

**حضرت ولیّ امرالله غصن ممتاز جلّت قدرته در لوح مبارك مورّخ شانزدهم اکتوبر سنه ۱۹۲۵ میلادی میفرمایند قوله الأهلی:**

"معرفت مظهر ظهور اگر ثمر و نتیجه اش حسن سلوك و تزكیه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثیر محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا نبوده و نیست. چه كه این معرفت معرفت حقیقی نه بلكه صرف توهم و تقلید است. و همچنین حسن نیت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نور شناسائی حقّ محجوب ماند و باقبال بمظهر ظهورش فائز نگردد بالمآل از قوه دافعه تأیید و امدادات روح القدس كه یگانه دافع هموم و كرب اینعالم ظلمانی است ممنوع و از تأثیر دائمی و نتایج كلیّه محروم. فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مؤمن نيك رفتار است نه عالم بدكردار مواعظ علماء سوء كه از مقصد دين غافلند و هنر و همت اهل علم و تقوی كه از عرفان معلوم محجوبند هر دو اثرات و نتایجش در حیّز ادنی محدود و فانی ولی

<sup>7</sup> حرمان: ناامیدی

ثمرات همم عالیہ ہر مؤمن پرهیزکار بی پایان و باقی چہ کہ مستمد از روح نباض آئین حضرت بہاء اللہ است و بنفثات روح القدس مؤید۔ این است شرط وفا این است سرّ تبلیغ امر بہا"

بیانات الہیہ کہ در اینخصوص نازل شدہ بشمار و احصای آن از حوصلہ مقام بیرون است۔